



زیباترین کبوترهای ایران را ببینید

زیاد دیده‌ایم‌شان؛ روی سقاخانه، داخل سوراخ سمبه‌های رواق‌ها، گاهی روی لوسترها و گاهی روی گنبدها. کبوترها آزاد و رها می‌چرخند و دور می‌زنند و هرکجا که دوست داشته باشند می‌نشینند.

همشهری آنلاین: اینجا بارگاه امام هشتم شیعیان است و مکانی امن برای همه، حتی جانوران. تصویر کبوترها در گوشه گوشه حرم امام رضا (ع) آن قدر برایمان تصویر آشنایی شده که کمتر کسی به داستان زندگی آنها فکر می‌کند؛ اینکه از کجا آمده‌اند و داخل حرم چطور به زندگی‌شان ادامه می‌دهند؛ اینکه چرا با وجود احترام زیاد زائران به آنها، تعدادشان نسبت به گذشته کم شده. این پرنده‌های زیبا دیگر جزئی از حرم شده‌اند. بسیاری از زائرانی که از نقاط دور و نزدیک به زیارت این بارگاه می‌آیند، نذرشان را با غذا دادن به آنها یا آزاد کردن‌شان در آستان حضرت ادا می‌کنند.

«به آقا بگو به یاد من باشد.» این طرف صحن جامع رضوی خلوت است و پر از کبوتر؛ هر کدام گوشه‌ای نشسته‌اند و دنبال غذا می‌گردند. ولی آن طرف صحن جامع رضوی، رو به ایوان قبله قالی‌های قرمز سه متری پهن شده و جمعیت زیادی روی آنها نشسته‌اند. «لا اله الا الله» دوم که گفته می‌شود، پایان اقامه اذان ظهر است و نمازگزاران به نماز می‌ایستند. «به آقا بگو من را از یاد نبرد.» دختر دنبال کبوترهای گوشه صحن راه می‌رود و مدام با آنها حرف می‌زند. از آنها می‌خواهد که وقتی روی صحن و گنبد طلا پرواز می‌کنند، به امام رضا (ع) سلام‌اش را برسانند. دختر جوان از نیشابور آمده. می‌گوید زیارتش را کرده و کنار ضریح، درد دلش را با حضرت در میان گذاشته؛ «اما کبوترها خیلی به آقا نزدیک‌اند. همیشه کنارش هستند.»



حرم امن یار

صف نمازگزاران که پراکنده می‌شود، کبوترها به سمت رواق‌های دور صحن پرواز می‌کنند. گرمای آفتاب ظهر است و کبوترها سایه رواق‌ها را برای استراحت انتخاب کرده‌اند اما جنب و جوش آنها تمام نشدنی است؛ کبوترها گاهی از رواقی به رواق دیگر می‌پرند و گاهی هم به صحن دیگری سر می‌زنند و روی رواق آن صحن می‌نشینند؛ «رواق‌ها لانه کبوترها نیستند». علیرضا هاشمی - پرنده‌شناس همراه ما - این‌را می‌گوید و ادامه می‌دهد: «کبوترها جایی برای لانه کردن داخل حرم ندارند. آنها یا روی گنبدها می‌خوابند یا لانه‌شان را جای دیگری بیرون حرم می‌سازند.»

به گفته هاشمی کبوترهای حرم یا کبوتر چاهی‌اند که توی چاه‌ها و قنات‌ها می‌خوابیده‌اند یا کبوترهای خانگی‌ای هستند که زیر شیروانی‌ها و داخل سوراخ سمبه‌های شهر لانه داشته‌اند. حرم، خانه اصلی این کبوترها نیست. با این حال دورتادور رواق‌ها و کنار ایوان‌ها کبوترهایی نشسته‌اند که تعدادشان هم کم نیست. در حرم حضرت تقریباً درون هر صحنی که باشی، فقط کافی است چشم بچرخانی و آنها را ببینی؛ چندتایی در حال پروازند و چندتایی هم کنار هم نشسته‌اند.

پس این همه کبوتر چگونه به حرم آمده‌اند؟ احمد خطاییان خلیل‌آباد، خادمی است که همان موقع در صحن جامع می‌بینمش و سؤال را این‌گونه پاسخ می‌دهد: «این کبوترها را مردم نذر کرده‌اند و وقفی حضرت هستند. می‌آیند اینجا و لشان می‌کنند و چون اینجا پر از کبوتر است جلد اینجا می‌شوند و می‌مانند. اینجا برایشان خیلی امن است.»



کبوترهای رها

«همین امروز کلی کبوتر از تهران و ساوه آوردند اینجا ول کردند. کافی است کبوترها اینجا رها شوند تا ماندگار حرم شده و اینجا بمانند.» خادمی این را می‌گوید و ادامه می‌دهد: «یکی‌شان که از تهران آمده بود، معلوم بود که خیلی هم کبوترهایش را دوست داشت. باید می‌دید چطور با تک‌تکشان خداحافظی می‌کرد.»

اما خیلی از کسانی که اینجا برای نذر ادا شده‌شان کبوتر رها می‌کنند، نگهدارنده کبوتر نیستند؛ «خیلی‌ها از راه دور برای ادای نذرشان آمده‌اند و کبوترها را همین‌جا در مشهد می‌خرند». خادم صحن آزادی می‌گوید که به محل فروش این کبوترها کوچه کفترفروش‌ها می‌گویند؛ «دو تا محل وجود دارد. زائران یا به کوچه کفترفروش‌های نزدیک حرم می‌روند یا می‌روند دروازه قوچان مشهد، روبه‌روی پاساژ نصر که بازار خیلی داغ‌تری دارد». می‌گوید خودش هم یک‌بار آنجا رفته؛ «قیمت بعضی کبوترها تا ۲۰۰ هزار تومان هم می‌رسد. البته خریدارها باید حواسشان باشد چون بعضی از فروشندگان کبوترهای خوبشان به میله جلوی سردر مغازه عادت کرده‌اند؛ برای همین هم این کبوترها را هرجا که رها کنند، باز هم برمی‌گردند و روی همان میله می‌نشینند.»

از صحن آزادی گوشه‌ای از گنبد طلای حضرت مشخص است. روی گنبد اثری از کبوتر نیست، فقط گاهی کبوتری از کنارش پرواز می‌کند و آن طرف‌تر می‌نشیند. در این صحن کبوتر زیادی وجود ندارد؛ برای همین به گفته پرنده‌شناس همراهمان به سمت صحن اصلی حرم می‌رویم.



خانم جوانی کیسه نایلون پر از گندمی را پرت می‌کند روی سقاخانه. اینجا صحن انقلاب است و بیشترین ازدحام کبوترهای حرم را می‌توان در همین صحن دید. خانم زارع مسافر تهران است و این چهارمین باری است که برای زیارت امام‌رضا(ع) به مشهد آمده. می‌گوید: «هر بار که می‌آیم مشتی دانه هم برای این کفترها می‌ریزم. اینها پاکند و گناهی ندارند. همیشه هم کنار حرم امام هستند.»

صحن انقلاب پر از پرنده است. درست است که بیشترین تجمع آنها را می‌توان روبه‌روی ایوان طلا، روی گنبد کوچک سقاخانه دید اما با کمی دقت، دیگر کبوترها هم به چشم می‌آیند؛ دورتادور رواق‌ها، گوشه‌های صحن و حتی میان پاهای زائرین. البته در گوشه و کنار این صحن گهگاه قمری یا کلاغی هم به چشم می‌خورد که برای پیدا کردن غذا بهترین مکان را انتخاب کرده‌اند. با وجود ازدحام زیاد کبوتر در این صحن، اینجا جایگاه کبوترهای حرم نیست. خادمی به سمت خروجی صحن هدایت اشاره می‌کند و آدرس می‌دهد: «بست طوسی، کنار باغ رضوان.»

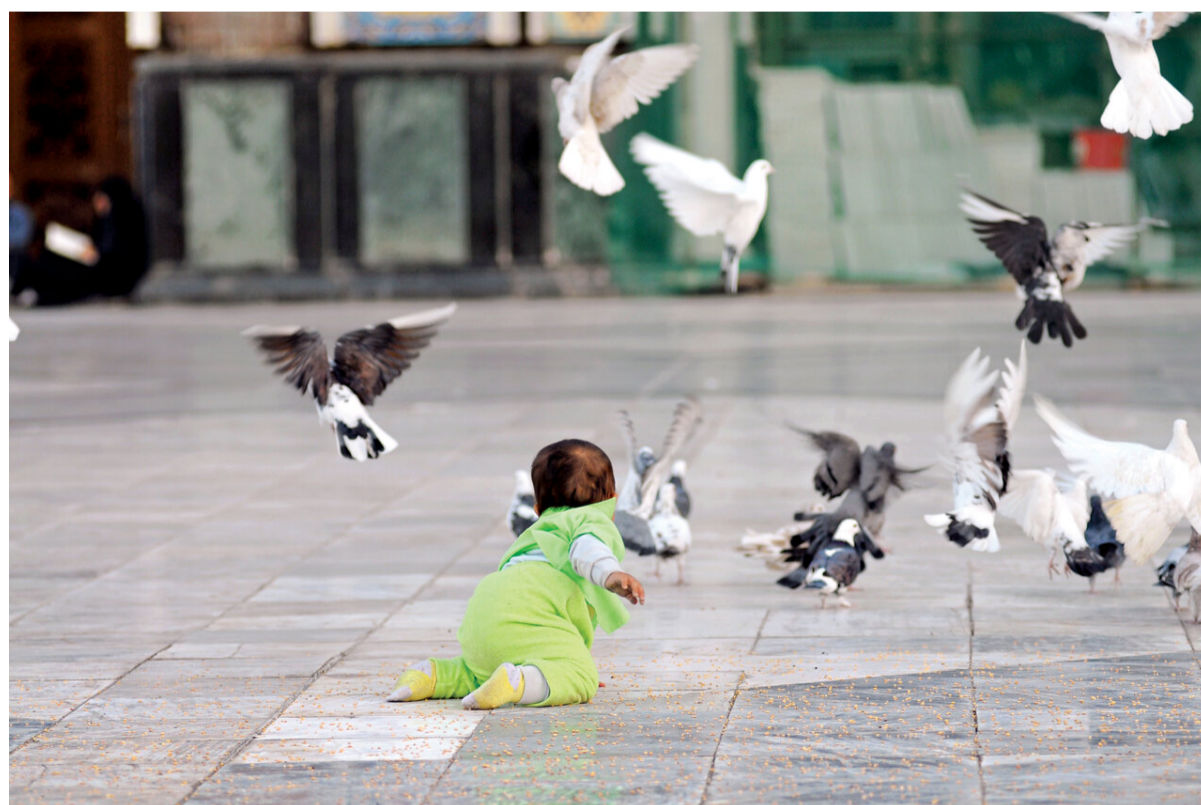


خانه‌ای برای ضعفای

اینجا حصاری اطراف کبوترها کشیده شده و کمتر دیده می‌شود که کبوتری پرواز کند. پسر بچه شیطانی وارد جایگاه می‌شود و همه‌شان به سمت کناره جایگاه پرپر می‌زنند ولی پرواز نمی‌کنند. پسر موفق می‌شود یکی‌شان را کنار توری گیر بیندازد و با یک حرکت اسیرش کند اما هنوز از روی میله‌های جایگاه بیرون نپریده که خادمی از راه می‌رسد و کبوتر سفید را از دست پسر گرفته و دوباره داخل جایگاه می‌پراند.

از او که به گفته خودش سه سالی می‌شود خادم اینجاست می‌پرسم پس چرا کبوتر پرواز نکرد و دوباره به جایگاه برگشت، که می‌گوید: «اینها اکثراً کبوترهای پیر یا ناتوان و بیمارند. کبوتر سالم در جایگاه کبوترها نمی‌نشیند و از اینکه دورش محصور باشد، احساس خطر می‌کند».

وقتی بالای سرم را نگاه می‌کنم، بیشتر مطمئن می‌شوم که خادم جوان بیراه نمی‌گوید. یک دسته کبوتر روی نورافکن‌های همان‌جا نشسته‌اند و دسته‌ای در هوا مشغول پروازند؛ درست برخلاف کبوترهای داخل جایگاه که مرتب در حال چرت زدن و خوردن هستند. خادم جوان می‌گوید: «اینها را شب‌ها نمی‌توان همین‌جا ول کرد. هوا که تاریک بشود، مسؤول کبوترها با قفسش می‌آید جمعشان می‌کند و می‌برد تا خوراک گربه‌ها نشوند. صبح هم دوباره برمی‌گرداندشان همین‌جا». اتاق شب کبوترها کمی آن‌طرف‌تر، داخل یکی از ستون‌ها ساخته شده که دری فلزی دارد و چفت و قفلی هم روی آن است.



روبه‌روی این اتاق بالای پنجره‌ای نوشته‌اند: «برای نذورات قبض تهیه کنید». اینجا دفتر خرید گندم برای کبوترهاست و مسؤول فروش نذورات گندم پشت میز نشسته؛ «۲۰۰ تومانی، ۵۰۰ تومانی، ۱۰۰۰ تومانی؛ سه نوع قبض داریم. مردم به اندازه اینها می‌توانند برای کبوترها گندم بخرند».

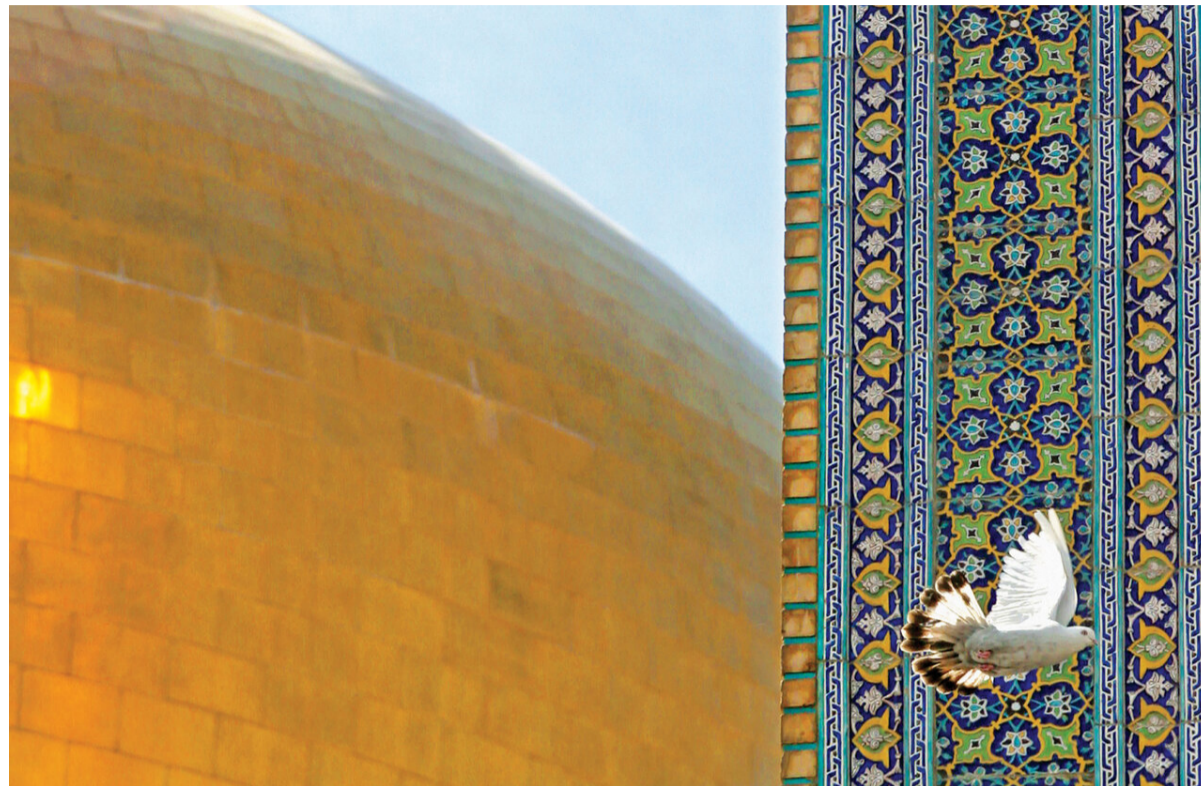
اینها را می‌گوید و به دورتادور خودش اشاره می‌کند که پر از کیسه‌های گندم است. به گفته خودش انبار هم لب تا لب پر از کیسه گندم است؛ «این گندم‌ها را آنهایی که نذر دارند می‌آورند و وقف اینجا می‌کنند. الان دیگر اصلاً جا نداریم و همیشه انبار پر است».

اما برای این مشکل هم راهی وجود دارد. احمد محمدیان، مسؤول بست طبرسی که ۲۰ سالی می‌شود خادم رسمی حرم امام رضا(ع) است می‌گوید: «الان

فصل برداشت گندم است؛ برای همین انبارها این‌قدر پرند. وقتی زمستان شود، دیگر کسی گندم ندارد که وقف آقا کند. گندم‌ها را نگه می‌داریم تا در سرمای زمستان هم برای کبوترها غذا داشته باشیم».

روزگاری پرنده‌ها

دور جایگاه کبوترها شلوغ‌تر شده. مادری گندم‌ها را از کیسه‌ای بیرون می‌آورد و دست پسر کوچکش می‌دهد تا برای کبوترها بریزد. با اینکه مردم درون جایگاه کوهی از گندم ریخته‌اند اما فقط چند پرنده مشغول خوردن هستند. هاشمی -پرنده‌شناس - می‌گوید: «قبل‌ترها در حرم آن‌قدر کبوتر بود که کل محوطه یکی از صحن‌ها را جایگاه کبوترها کرده بودند. همیشه دو تا وانت پر از گندم آنجا بود و با بیل برای کبوترها دانه می‌ریختند. پیش از این روی گنبد هم پر از کبوتر بود؛ طوری که وقتی دسته‌ای پرواز می‌کردند آسمان سیاه می‌شد اما حالا تعداد کبوترها کمتر شده است».



هاشمی می‌گوید: «فضولات کبوترها اسیدی است و باعث تخریب بناهای تاریخی می‌شود.» این موضوع نشان می‌دهد با اینکه این پرنده‌های زیبا همیشه مورد احترامند اما معضل هم به حساب می‌آیند؛ معضلی که فقط مختص بارگاه امام رضا(ع) نیست و در تمام دنیا وجود دارد. هاشمی در ادامه می‌گوید: «در بسیاری از کشورهای اروپایی هم مجبورند به صورت هفتگی کبوترها را جمع‌آوری کنند تا فضولاتشان باعث تخریب بنا نشود». به همین دلیل مسوولان آستان تصمیم بر محدود کردن تعداد و محل پرواز کبوتران گرفته‌اند.

اما با وجود همه این تدابیر برای جلوگیری از ازدیاد بیش از حد کبوترها، هنوز هم در نقطه‌ای از حرم می‌توان آنها را دید. حرم را که ترک می‌کنیم، نزدیک غروب است و چراغ‌های حرم را روشن کرده‌اند. از همین‌جا هم می‌شود کبوترها را دید که بر فراز حرم پرواز می‌کنند؛ جانوران زیبایی که همیشه برای ایرانیان مورد احترام بوده‌اند. از راننده تاکسی‌ای که ما را به هتل می‌برد، درباره پرنده‌ها می‌پرسم. می‌گوید عاشق کبوترهاست؛ «دو تا کفتر پاپری دارم که آنها را خیلی گران خریده‌ام. از وقتی هم به خانه آوردمشان، باعث خیر و برکت شده‌اند. اما نذری دارم که اگر آقا صلاح دید و برآورده کرد، هر دوتایشان را در حرم رها می‌کنم».